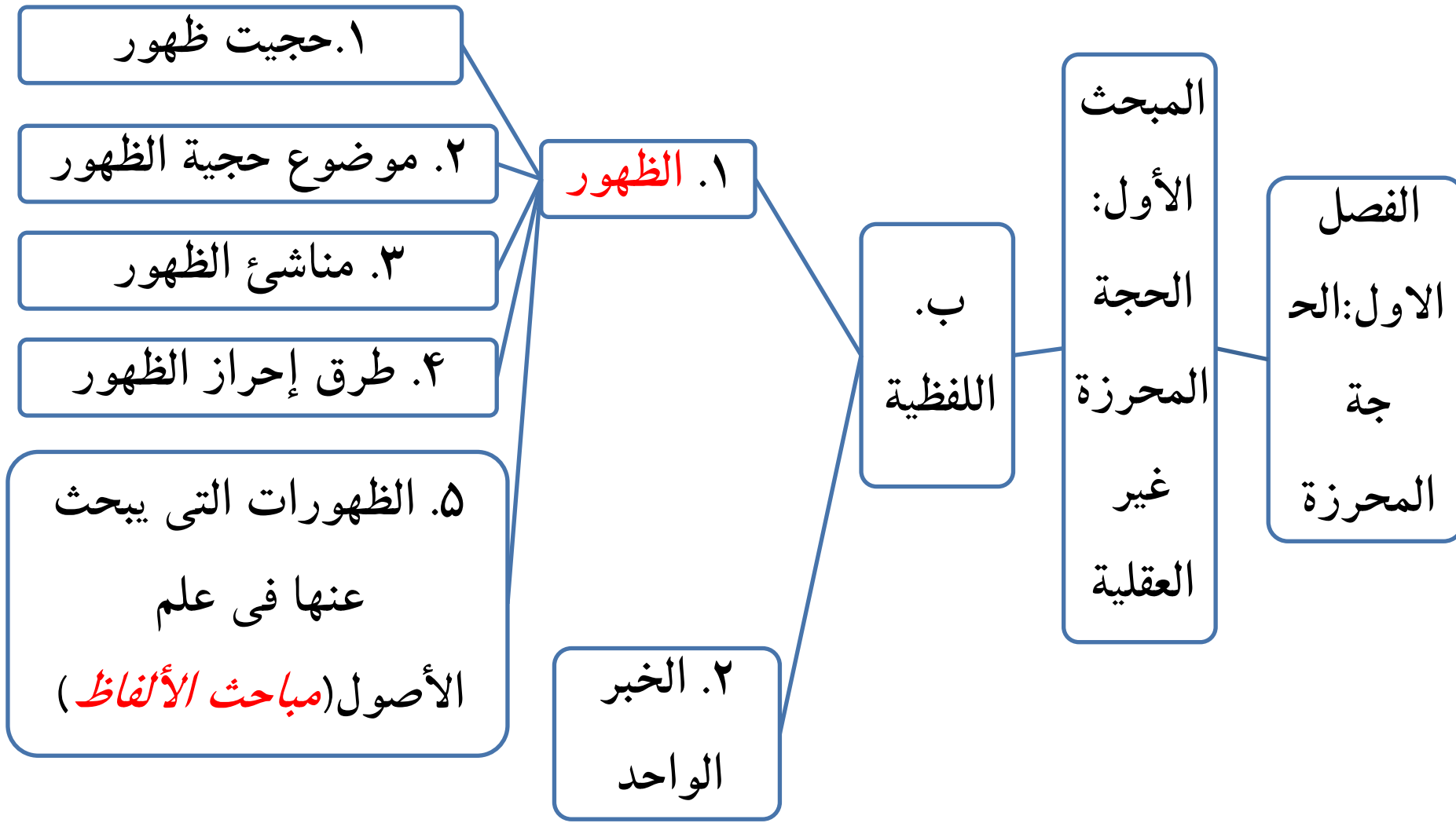


علم أصول الفقه

١٨-٩-٩٣ شهرت / ظهور ٢٨

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

• إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (٧) أُولَٰئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (٨)

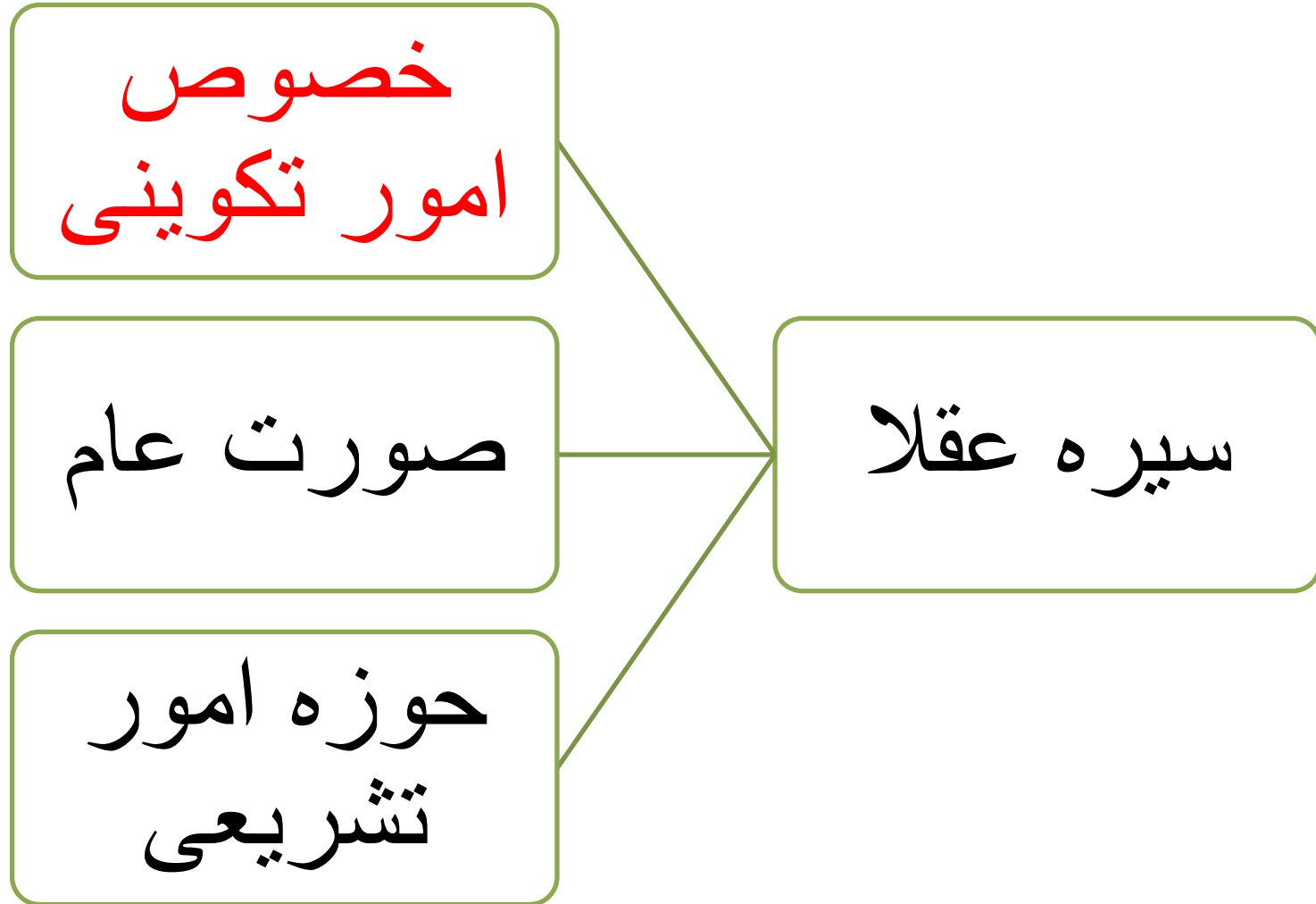


سیره منتشره

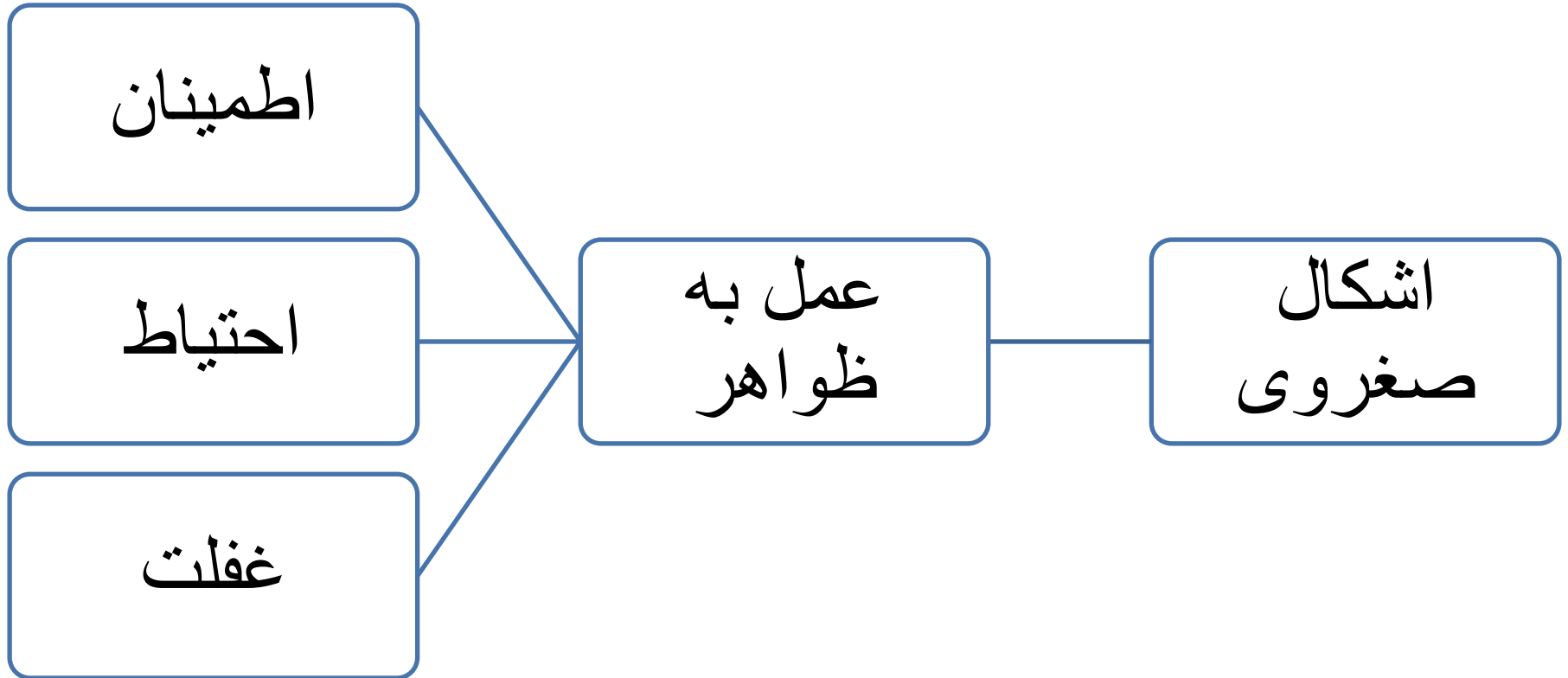
سیره عقلا

دلیل حجیت
ظهور

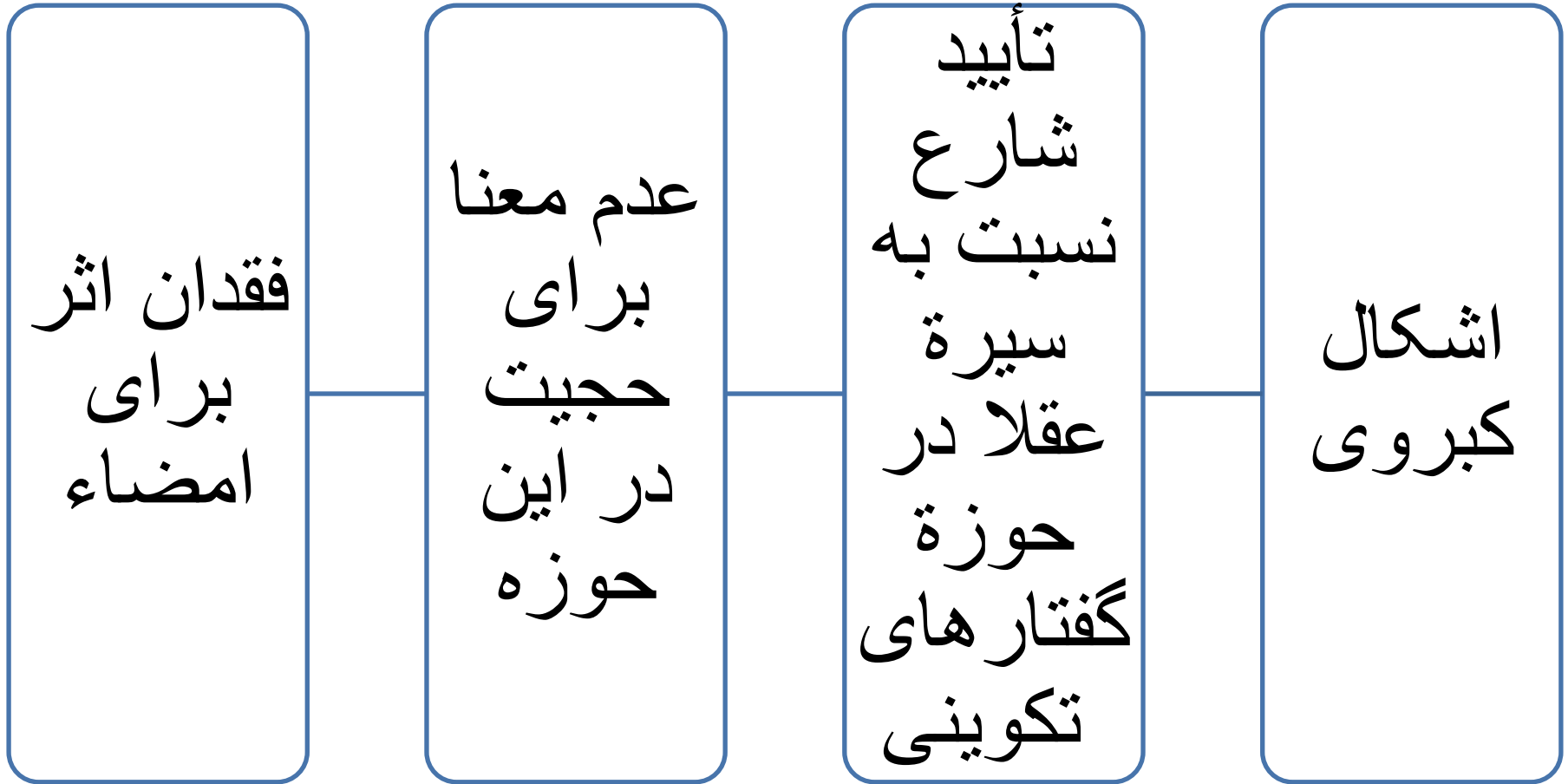
سیره عقلا در باب ظواهر



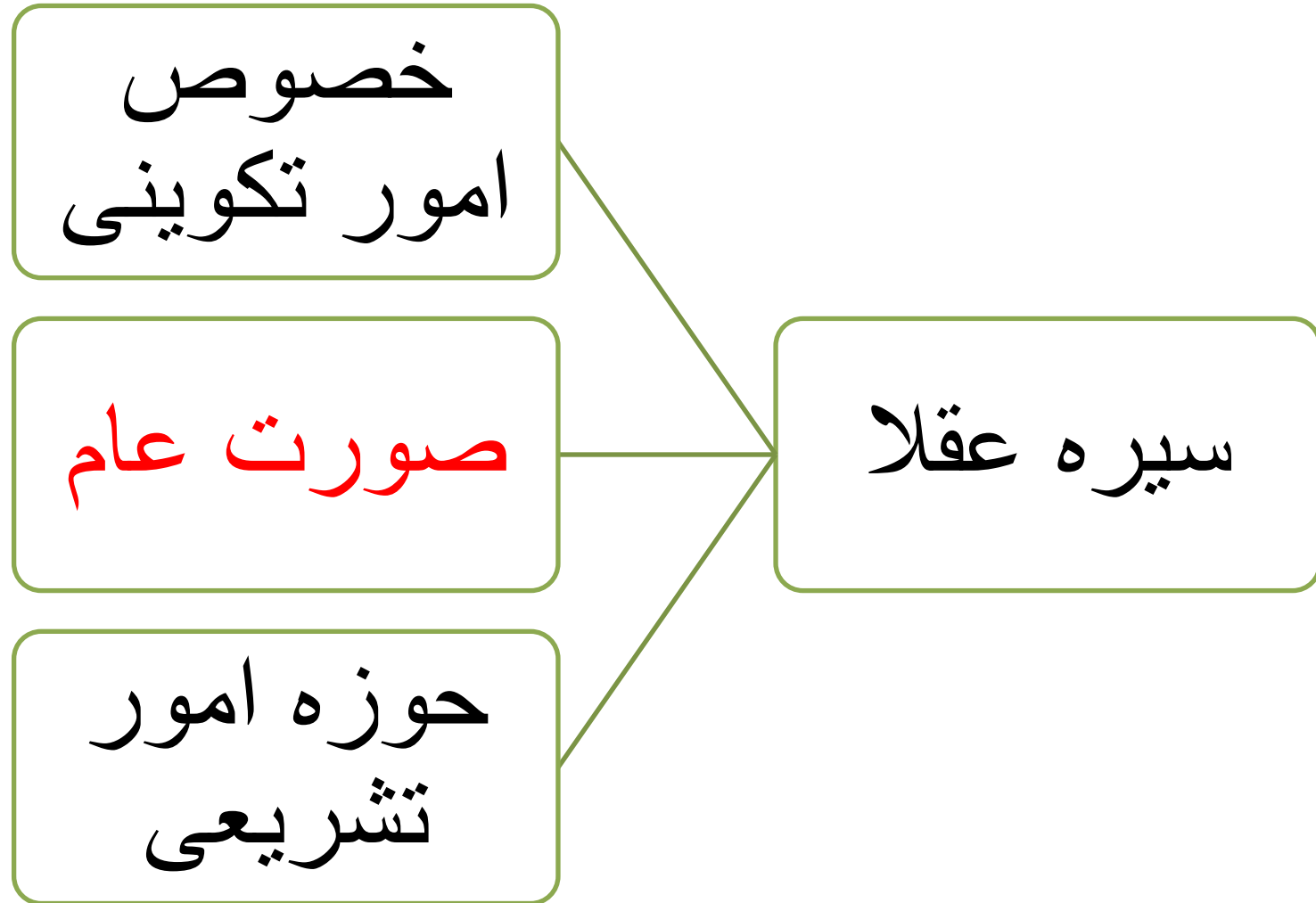
سیره عقلا در خصوص امور تکوینی



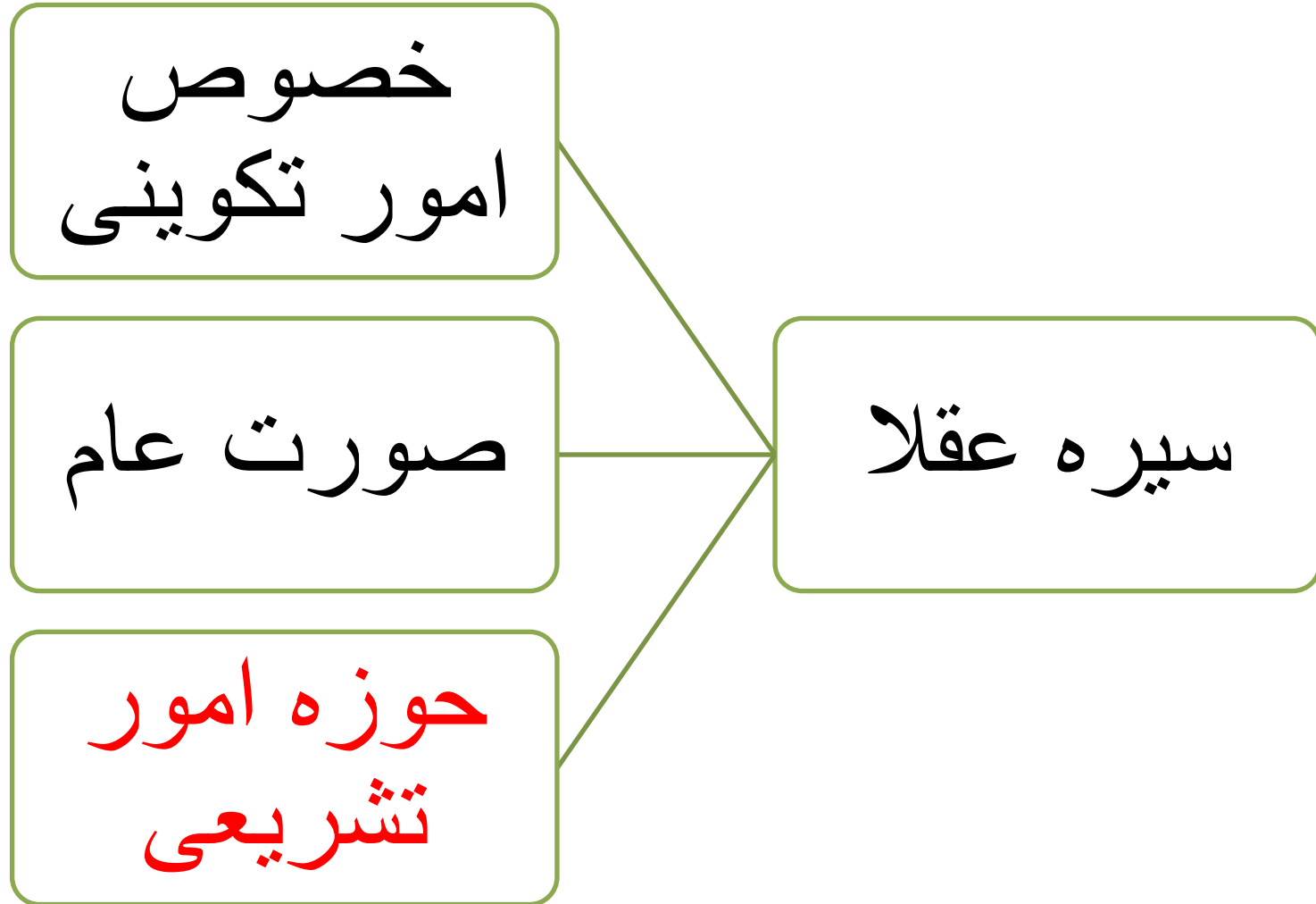
سیره عقلا در خصوص امور تکوینی

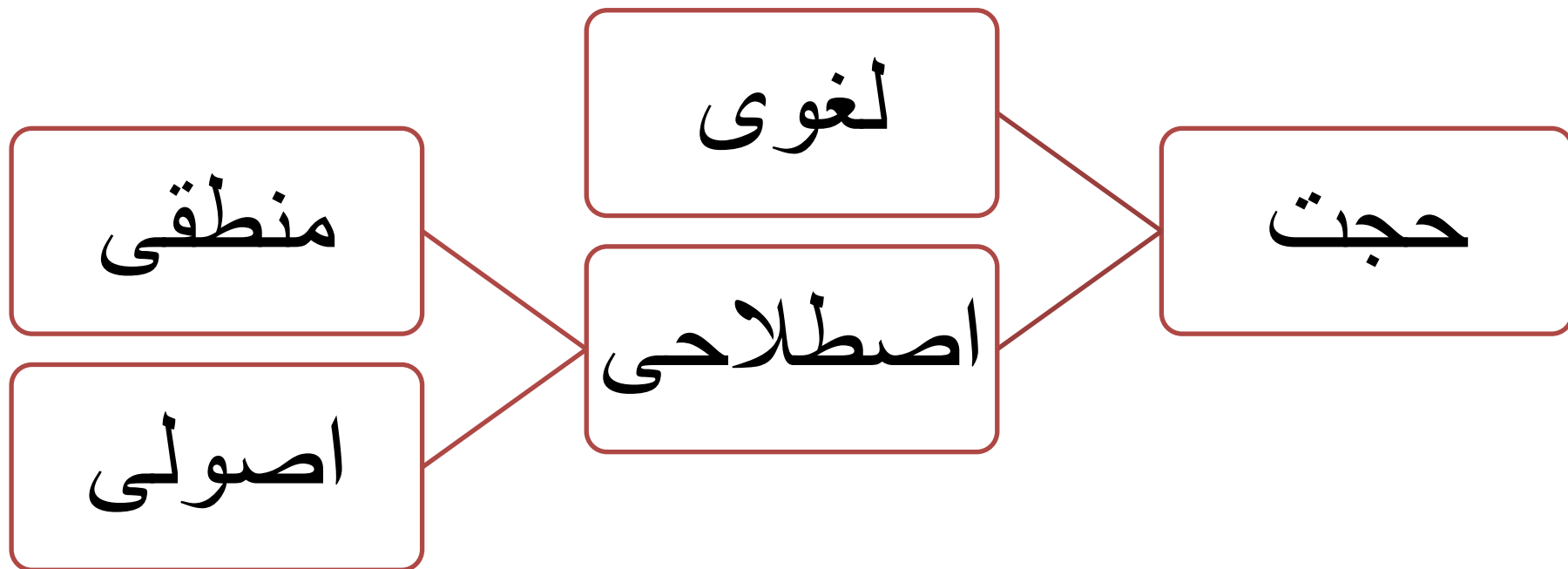


سیره عقلا در باب ظواهر



سیره عقلا در باب ظواهر





معانی حجیت

- حجت به معنای **لغوی** یعنی آنچه که بدان احتجاج می شود،
- حجت به معنای **منطقی** عبارت است از مجموعه‌ای از تصدیقات که برای روشن کردن و علم نسبت به یک تصدیق مجهول به کار می روند
- و حجت در معنای **اصولی** به معنای منجز و معذر است.

معانی حجیت

- معانی حجیت
- گاهی حجیت به معنای معذرت و منجزیت است که مقصود شهید صدر ره در این بحث هاهمین معنا است. طبق این معنا در صورتی که حجت مطابق با واقع باشد، منجز تکلیف می شود و اگر مخالف با واقع باشد، عذری است برای کسی که با واقع مخالفت کرده است.

معانی حجیت

- حجیت یک معنای لغوی هم دارد و در واقع آنچه که در اصول به عنوان حجت مطرح است مصداقی از همین معنای لغوی است. حجت لغوی یعنی آنچه که به آن احتجاج و استدلال می‌شود.

معانی حجیت

- در روابط بین عبید و موالی، وقتی عبد تکلیفی را انجام نمی‌دهد و مولا می‌خواهد برایش استدلال کند که تو مسئول بودی که این تکلیف را انجام دهی و ندادی، پس باید مجازات شوی، از همین حجت استفاده می‌کند و استدلال می‌کند؛ مثلاً وقتی که رئیسی نامه‌ای به یک مرئوس خود می‌نویسد که تو باید فلان کار را انجام دهی و او آن را انجام نداد، رئیس استدلال می‌کند که من به تو نامه نوشته بودم و در آن نامه از تو خواسته بودم که چنین کاری را انجام دهی و این خواسته من ظاهر در این بود که تو باید انجام دهی.

معانی حجیت

- در این موارد می‌گوییم ظاهر سخن رئیس تنجیز این حکم را بر این مولی علیه اثبات می‌کند. یا اگر یک نوشته‌ای دست این مرئوس رسید و او به مفادش عمل کرد و خلاف از آب درآمد و رئیس گفت چرا این کار را کردی، مرئوس استدلال می‌کند که این نامه از طرف شما به دست من رسیده بود و آن شما این طور نوشته بودید و به ظاهرش اخذ کردم.

معانی حجیت

• یکی از عواملی که که تکلیف را بر ما منجز می‌کند وصول تکلیف است. اساساً تا واصل نشده باشد معنا ندارد که به چیزی عمل کنیم. خدا ت هم نمی‌تواند بگوید که چرا فلان کار را نکردی؟ تا ما بگوییم ما خبر نداشتیم. نه پیامبری برای ما گفته بود و نه به خودمان الهام شده بود

معانی حجیت

- به هر حال تکلیف باید به نحوی به ما برسد؛ هر چند طریق وصول یقینی نباشد.

معانی حجیت

- مقصود ما از حجت در این بحث این نیست که کسی سؤال کند که چرا مولا فلان تکلیف را جعل کرده است و مولا در جواب استدلال کند که به سبب فلان. این مقدار همان علل شرایع می‌شود. بحث ما این است که چرا و چه زمان این حکم بر ما منجز می‌شود؟ می‌گوییم وقتی منجز می‌شود که حجت در میان باشد؛

معانی حجیت

- البتہ مطلق دلیل واستدلال ہم حجیت لغوی بہ حساب می آید؛ یعنی اگر بہ فرض شارع دلیل بیاورد کہ چرا نماز صبح دو رکعت است، آن دلیل ہم بہ معنای لغوی اش حجیت است؛ ولی بہ معنای حجتی کہ در بحث رابطہ بین عبید و موالی مطرح است، حجیت بر آن اطلاق نمی شود.

معانی حجیت

- بعضی‌ها مثل مرحوم مظفر ره ، حتی خود شهید صدر ره گمان کردند حجت چند معنا دارد.
- ما معتقدیم معانی حجیت متعدد نیست. حجت یک معنای بیشتر ندارد و آن یعنی آنچه که به آن احتجاج می‌شود؛ البته فوقش هم اصولی متوجه یک قسم خاصی از حجیت‌ها است و هم منطقی متوجه یک قسم دیگر.

معانی حجیت

- دقت کنید معنای حجیت ظاهری این نیست که به دلیل ظاهر تکلیف بر ما منجز می شود، بلکه مفهوم حجیت ظاهر این است که ما به ظاهر سخن بتوانیم احتجاج کنیم.

معانی حجیت

- به همین دلیل حجیت به این معنا حتی در تکوینیات هم معنا دارد؛ مثلاً طرف می گوید هوا سرد است، می گوئیم دروغ می گویی یا اشتباه می کنی. می گوید چرا؟ می گوئیم ظاهر این سخن تو این است که الآن واقع خارجی چنین است در حالیکه این ظاهر مطابق با واقع نیست و هوا الآن مثلاً گرم است. اینجا ما به این ظواهر اخذ می کنیم؛ هر چند که اصلاً در در اینجا حجیت به معنای منجزیت و معذرت معنا ندارد.

معانی حجیت

- اصولاً حجیت در حوزه ظواهر به همین معنا است که وقتی یک متکلمی سخن می‌گوید و سخن او ظاهری دارد یعنی احتمال قوی‌تر و یک خلاف ظاهری هم دارد یعنی یک احتمال ضعیف‌تر، عقلاً آن معنای سخن او را همان احتمال قوی‌تر می‌دانند و همان را بر عهده او می‌گذارند؛ چه خبر باشد و چه انشاء.

معانی حجیت

- به همین دلیل فرق نمی‌کند که این ظاهر در حوزه تکوینیات باشد یا در حوزه تشریعیات؛ هرچند در حوزه تشریعیات این ظاهر قابل احتجاج در مقام تنجیز و تعذیر هم است؛ ولی این دیگر اصلاً حجیت عقلایی نیست. حجیت عقلایی ناظر به مرحله تنجیز و تعذیر نیست، بلکه ناظر به همان مفهوم لغوی حجیت یعنی قابل احتجاج بودن است.

معانی حجیت

- حجت به معنای لغوی یعنی آنچه که بدان احتجاج می شود،
- حجت به معنای منطقی عبارت است از مجموعه‌ای از تصدیقات که برای روشن کردن و علم نسبت به یک تصدیق مجهول به کار می روند
- و حجت در معنای اصولی به معنای منجز و معذر است.
- بنابراین اصولی به دنبال حجت به همان معنای لغوی است؛ یعنی آنچه که بدان احتجاج می شود.

معانی حجیت

- در روابط بین عبید و موالی آنچه که بدان احتجاج می‌شود، نتیجه‌اش معذرت و منجزیت است.
- وقتی عبد به یک حجتی به نفع خودش احتجاج می‌کند، معذر است و وقتی که به یک حجتی بر علیه عبد احتجاج می‌شود، منجز است.
- در حقیقت مفهوم حجت لغوی اینجا تغییر نکرده است، بلکه مصداق حجت اینجا یک ویژگی خاص دارد؛ چون در حوزه روابط عبید و موالی است و در این حوزه تکلیف مطرح است و در بحث تکلیف منجزیت و معذرت معنا دارد.

معانی حجیت

- اصولی به حجت‌های بین عبید و موالی می پردازد و اصولاً با حجتی کار دارد که شرعاً اعتبار داشته باشد و نه حتی مطلق عبید و موالی . اگر هم از مطلق عبید و موالی صحبت می‌کند از آن باب است که می‌خواهد از آن در مورد مولای شرعی و بندگان استفاده کند.

معانی حجیت

- آیا ظهور قابل احتجاج (حجت) است؛ یعنی می توان با ظهور، بر علیه متکلم در جایی که به ظاهر سخن خودش ملتزم نباشد احتجاج کرد؟ یا متکلم به نفع خودش به ظاهر سخن خود در جایی که مخاطب به آن ظاهر ملتزم نباشد، احتجاج کند؟

معانی حجیت

- با مراجعه به سیره عقلا، می بینیم عقلا ظهور را حجت می دانند. به همین جهت مثلاً اگر کسی بگوید فردا درس‌ها تعطیل است، و شما بگویید پس من فردا نمی‌آیم، و او بپرسد چرا؟ جواب می‌هید خودت گفתי تعطیل است. این همان احتجاجی است که ما به ظاهر کلام او می‌کنیم.

معانی حجیت

- در واقع معنایش این است که جمله «فردا درس تعطیل است» ظهور دارد در اینکه درس فردا برگزار نمی‌شود؛ البته ممکن است متکلم این ظهور را اراده نکرده یا در مقام شوخی این عبارت را به کار برده و یا به صورت مجاز به کار برده باشد؛ مثلاً مقصودش از این باشد که درس فردا اثری ندارد یا آن طور که باید، شاگردان شرکت نمی‌کنند. این احتمالات هست، ولی این احتمالات ضعیف خلاف ظاهرند و ظاهر این است که او شوخی نمی‌کند؛ مجاز نمی‌گوید شما به همین ظاهر احتجاج می‌کنید.

معانی حجیت

- یا مثلاً در بحث قضا، کسی که خانه‌ای در اختیار او است و دعوایی بر آن خانه اقامه شده است. قاضی از وی می‌پرسد این خانه ملک کیست جواب می‌دهد این خانه منزل زید است؛ ملک زید است در اینجا به ظاهر کلامش اخذ می‌شود و بعد اگر بگوید من تعارف زدم، منظورم این بود که حمن و زید نداریم؛ چه مالک باشم و چه او فرقی ندارد، این عذر پذیرفته نمی‌شود. نه اینکه بهیچ لحاظ قوانین قضائی پذیرفته نمی‌شود، بلکه این بحث قبل از اینکه یک بحث قضایی باشد یک بحث عقلایی است. این احتجاج در حوزه امور تشریحی هم وجود دارد.

معانی حجیت

- حال این امور تشریحی چه از سنخ وضعی باشند؛ مثل مالکیت که بگوییم این خانه ملک زید است و چه در از سنخ تکلیف باشند؛ مثل اینکه گفته شود این کار را انجام بده یا فلان کار را انجام نده. در تمام این زمینه‌ها هم حجیت به این معناست که به ظاهر سخن احتجاج می‌شود.

معانی حجیت

- البته وقتی این حجیت در حوزه تشریعیات و تکالیف مطرح می شود، اثر خاص پیدا می کند این اثر هم به خاطر قابلیت و ویژگی مصداق حجت در این بحث پیدا شده است، نه به خاطر تفاوت در مفهوم حجیت.
- در واقع در مفهوم حجیت، منجزیت و معذرت اخذ نشده است. همچنان که در مفهوم حجیت اخذ نشده است که مجموعه ای از تصدیقات باشند که ما را به یک تصدیق مجهولی برسانند.

معانی حجیت

- بنابراین مفهوم حجیت در همه جا همین مفهوم لغوی است و ظهور به این معنا از نظر عقلا حجت است چه در تکوینیات چه در تشریعیات. در تکوینیات منجزیت و معذرت معنا ندارد؛ و فقط احتجاج معنا دارد و شارع ای ما از همین عدم ردع امضاء وی را کشف می‌کنیم.

معانی حجیت

- بنابراین اصلاً ما با آن مشکلی که شهید صدر ره می خواهد حلش کند، مواجه نیستیم. آن مشکل نتیجه یک اشتباه در بیان است که گمان شده معنای حجیت در حوزه تکالیف با حجیت در غیر این حوزه متفاوت است؛ در حالی که معنا همان است و فقط آثارش تفاوت دارد.

معانی حجیت

- این آثار به مصداق برمی گردد نه به مفهوم. در واقع خصوصیت مصداق است، نه ویژگی یا جزئی از مفهوم اصولی ها اشکالی را در اینجا مطرح کرده اند که شهید صدر ره هم به آن می پردازد.